

موضوع: عناصر جدید در موضوع شناسی موسیقی و رویکردهای نو در فقه موسیقی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

اللهم صل على محمد و آل محمد واهدنا لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم

این نشست از سوی دفتر تبلیغات اسلامی خراسان اداره فضای مجازی و رسانه و پژوهشگاه مطالعات فقه معاصر گروه فقه و فرهنگ و رسانه برگزار شده و من تشکر می کنم به ویژه از صدیق گرامی آقای استادی و ... بنده خبر دارم از تلاشهایی که انجام می دهند . عنوانی که ملاحظه می کنید عناصر جدید در موضوع شناسی موسیقی و رویکردهای نو در فقه موسیقی است .

به عنوان مقدمه عرض می کنم مستحضری بحث ، بحث پیچیده ای است تلاش می کنم بحث ساده برگزار شود ولی ممکن است اقتضای موضوع جور دیگری رقم زند و بحث فنی شود اگر بزرگواری شنونده ما است و بحث سنگین می نماید به هر حال اقتضای بحث است اما سعی بنده بر روان بیان کردن آن است اولین نشست از هشت نشستی است که امسال بنا هست برگزار شود و دوست ندارم خاطره بدی در ذهن مخاطب ایجاد کند

مقدمه دوم این است که عزیزی که د راین نشست ها حضور پیدا می کنند می خواهیم که رویکردهای نو را بیان کنیم و الا کسی بیاید و فقه و مکاسب را بیان کند این هدف این نشست ها نیست هدف این نشست ها افق گشایی و راه باز کردن است . برای جاهایی که می شود راه را باز کرد چنان چه سیاست دوم این است که حتما حتما با انضباط فقهی باشد ممکن است کسی مطلب نوی را بگوید و افق جدیدی را باز کند اما در انضباط فقه جای نگیرد و در هنجارهای فقهی جای نگیرد.

حجت شرعی بین انسان و خدای انسان نباشد این قطعا بی ارزش است . از این جهت این هم باید خط قرمز باشد .

من از این جهت از خودم خیالم راحت است البته ممکن است اختلاف سلیقه در این باره باشد ممکن است کسی چیزی انضباط فقهی بداند . دیگری آن را نداند کسی حق ملامت کسی را از این جهت ندارد و حق ندارد جریان راه بیاندازد .

شاید انتخاب حقیر برای این بحث سابقه ای باشد که ما از سال 94 در این باره داشتیم من سال 94 به همت مدرسه اسلامی هنر قم و دفتر تبلیغات اسلامی قم به عنوان دبیر علمی ورود کردیم برای برگزاری همایشها تا الان هم چهار همایش برگزار شده و خوشبختانه چهار جلد کتاب هم چاپ شده ما سعی کردیم برای هر همایشی مجموعه مقالات چاپ شده داشته باشیم .

و در بازار هست و هر کس نقدی و نکته ای دارد میتواند عنوان کند .

ما در این همایش ها سعی کردیم هم حوزه هم دانشگاه درگیر شوند و این نبوده که فقط حوزه درگیر باشد . حتی کتاب سوم همایش یک کتابش فقه است و یک کتابش حقوق است . از این جالب تر حضور هنرمندان در همایش شیراز که

دو سه روز نشست داشتیم به موازاتی که فقها و حقوقدانان صحبت می کردند هنرمندان هم صحبت می کردند و ما هنرمندان متعهد را دعوت کردیم .

و از هنرمندان استفاده کردیم حتی در نشست های قم هم از هنرمندان دعوت کردیم

من موظف میدانم از همه کسانی که مشوق و همکار بودند یاد کنم و از رهبری معظم انقلاب و اولین باری که محضر ایشان رفتیم مشوق بودند و خاطر نشان کردند که خوب شروع شده و فضیلتی خوبی کار را انجام دادند و خواستار ادامه دادن این راه بودند.

یک بحث تحلیل عنوان هست که اصولاً این عنوان یعنی چه ؟

دوم بیان رویکردهای نو در فقه موسیقی که در واقع اصلی ترین مطلب من است و

سوم آن چه که خود من در طول این ده سال بدست آورده ام چه بوده است.

اگر بتوانم آن قسمت سوم را وارد شوم نکته نویی است که حاصل این تلاش ده ساله است

اما مطلب اول ؛ تحلیل عنوان ؛ عناصر جدید در موضوع شناسی موسیقی

و رویکردهای نو در فقه موسیقی

واو ، واو عطف نیست واو مستانفه است .

ما یک موضوع شناسی و یک مصداق شناسی داریم که هم در کتابها هم در مقالات هم در درسها این ها گاه جای همدیگر می آیند و ایکاش نمی آمدند . گاه بحث از عناصر خارجی است که ما چه در موسیقی داریم چه نوع موسیقیهای الان خلق شده ناظر به خارج است .

اگر منظور از موضوع شناسی که دوستان ما گفته اند مصداق جدید است میدانید که این از عهده بنده که باحث فقهی هستم خارج است کما این که از عهده دفتر هم خارج است و این کار کارشناسی است که باید از کارشناسان موسیقی پرسیده شود.

موضوع اصلی هم این است که عناصر جدید در موسیقی

شما میدانید که ما الان با بیست سال گذشته خود را مقایسه کنیم مصداق جدیدی آمده در حالی که یک هنر مند موسیقی میتواند این ها را بررسی کند . ما غیر از مصداق موضوع داریم یعنی آن که حکم شرعی روی آن نهاده می شود و این ربطی به خارج ندارد بلکه از ادله مثل قرآن و روایات استفاده می شود پس ما یک موضوع داریم و یک مصداق .

در موضوع ، البته جای بحث و گفتگو هست .

شیخ انصاری معتقد است که در غنا موضوع حرمت نیست آنچه موضوع حرمت است لهُو و لغو یا اضلال است لذا ممکن است یک پدیده غنا باشد ولی حرام نباشد و پدیده ای غنا نباشد ولی حرام باشد این به موضوع شناسی مرتبط است . فرض کنید فقیهی آمد و دست برد در موضوع غنا و موسیقی غنا در فقه ما به آواز خوانی تعبیر می شود . و لو هیچ آلتی هم استفاده نشود و موسیقی به نواختن آلات اطلاق می شود ما یک آواز خوانی داریم و یک نواختن آلات داریم

در فقه ما به آواز خوانی تخصیص یافته و موسیقی منظور آلات اللهُو است و موسیقی به نواختن آلات تفسیر شده است اگر بیاید در موضوع بار بر دوش فقه است پس عناصر جدید در موضوع شناسی اگر معنای واقعی خود موضوع را در نظر بگیریم بحث بحث فقهی است . مثلاً یک عنصری که من دست می گذارم بحث اضلال است و امواج ضلال است

ممکن است کسی مدعی شود منظور از اضلال تخذیر ملت هاست

وسیله ای در دست قدرتمندان و صاحب منصبان است ما در زمان نراقی یا شیخ انصاری این موضوع را نداشتیم . یعنی موسیقی بشود مخدر موسیقی بشود اسباب و ابزاری در خدمت تبلیغ یعنی دو سویه شود دیدیم امروزه همانطور که فیلم و سینما و ... تبلیغ باشد برای خیلی مسائل موسیقی هم بشود تبلیغی برای دین و بشود امواج هدایت . این یک موضوع جدید است یا یک چیز که جالب است بحث دفع افسد به فاسد هیچ زمانی مطرح نبوده ما که سالهای سال درگیر بودیم آشنا هستیم و من هیچ وقت به ذهنم نمی آید که یک نوع موسیقی وسیله ای ا باشد برای دفع افسد ولی این مساله بجد الان مطرح است .

اگر الان سوال کنند که تلویزیون ما باید برخی فیلم ها را بسازد که ممکن است از برخی چارچوبها هم بیرون باشد اما چاره ای نیست و باید برای این که از برخی فیلمهای مبتذل جلوگیری شود ، باید این گونه فیلمها هم مجوز به آنها داده شود. شما تصور کنید رسانه و تلویزیون ما بخواهند مخاطب خود را حفظ کند فرض کنید مداحی و سینه زدن و سخنرانی و ... اگر تمرکز روی اینها داشته باشد خیلی از مخاطبان خود را از دست میدهد و کسی که از این رسانه برود سراغ رسانه های بیگانه می رود که آنها هم فاسد است **این جا ست که دفع افسد به فاسد مطرح میشود** این جا ست که می گوئیم که برخی فیلم ها را می شود ساخت یا برخی صداها نسبت به صداهای مبتذل کمتر فاسد است و ...

اوائل انقلاب عده ای از اهل رسانه استان گیلان سراغ امام رفتند سخت گیری می شد و خیلی از صداها هم بخاطر صاحب صدا مشکل ساز بود مقاله ای است که در همایش چاپ می شود و یکی از دوستان ما آمده ترانه های زمان قبل انقلاب و بعد انقلاب را مقایسه کرده و روی ارزشهای وزارت ارشاد امروز ارزیابی کرده است .

به نظر شما این مقاله به نتیجه ای رسیده است؟

جالب است بدانید دوستان که از آگاهان رسانه است ایشان می گوید شصت درصد آهنگها و صداها ی آن روز با استانداردهای امروز مطابق بوده است سوال این است که چرا رد می شده و سانسور می شده ؟ تعبیر من این است که بیشتر به خاطر صاحب صدا بوده و عجیب بوده که معیار خود آهنگ نبوده و صاحب صدا معیار بوده و چه بسا اگر مداحی همین آهنگ را می خواند کسی مخالفت نمی کرد . وقتی از امام سوال می کنند در خصوص ترخیص برخی آهنگها و اجازه پخش آن ها در صدا و سیما ، امام اجازه ندادند و گفتند به جای این کار سعی کنید فرهنگ مردم را بالا ببرید و ... و به جای این که شما کوتاه بیایید سعی کنید که مردم فکر شما را بپذیرند واقعیت این است که این کار انجام نشد. در بحث های جدید عناصر جدید در موضوع شناسی بحث بسیار مهمی است اگر آن بحث اضلال از موضوعاتی است که باید روی آن کار شود و گفته شود که موسیقی یک زمانی وسیله اضلال نبود و الان هست و وسیله تبلیغ دین نبود اما الان هست، این نکته هم مهم است که یک زمانی با این نگاه به آن نگاه نمی شد دفع افسد به فاسد این جا است که رسالت رسانه ملی ما بسیار سنگین می شود و این ها چقدر توجه دارند یا ندارند اهل اینمعانی هستند یا نه این مباحث بماند علی ای حال عناصر جدید در موضوع شناسی موسیقی که من دو نمونه آن را ذکر کردم از جمله کارهایی است که باید انجام پذیرد این گونه مباحث خود می تواند یک پایان نامه باشد اگر کسی واقعا در حوزه یا در دانشگاه دنبال موضوع و رساله است و موضوعاتی را هم که ارائه میکند به ا و می گویند که تکراری است این گونه مباحث بسیار ارزشمند و جدید است .

موضوعی که ناب است و جای کار دارد همین بحث است عناصر جدید در موسیقی جدید

کسی که بخواهد کار کند حتی دفتر تبلیغات یا حتی پژوهشگاه فقه معاصر همه این ها هم می توانند روی این موضوعات تمرکز داشته و کار کنند.

طبعاً خروجی کار می تواند مجموعه مقالات و در نهایت یک کتاب باشد .

اجازه دهید من روی بخش دوم کار کنم و مطلب ارائه دهم ؛

رویکردهای نو در فقه موسیقی

منتها به دو شرط دو شرطی که در مقدمه گفتم یک افق گشایی بکنند نه اگر یک دریچه هم باز است آن را ببندد و اشکال ندارد و کسی کار کند و حلالی را هم حرام اعلام کند اشکال ندارد منتها باید کار کرد و با تحقیق باشد.

و یک نکته دیگر این که کسی که می خواهد کار کند باید با انضباط فقهی و آن هم فقه جواهری کار کند و الا همین طوری می توان کارهای بی وزن زیاد ارائه داد . کارهای ژورنالیستی و پوپولیستی که رسالت یک فقیه نیست رسالت یک محقق نیست. فکر کنم اولین رویکرد، اگر آشنا با مکاسب شیخ باشید کاملاً روشن است از محقق سبزواری است و درک ایشان معلوم نیست من بارها نکات مد نظر ایشان را شاید بالای بیست مرتبه خوانده ام ایشان آمده و گفت که در غنا البته بحثش در غنا هست ولی قابل پیاده شدن در موسیقی و نواختن آلات هم هست و گفت که آن چه حرام است خود اینها نیست و مقارنات اینها هست که حرام است . مثلاً در موسیقی زنهار وارد می شوند بر مردها و زنهار هم بر مردها وارد میشوند و یا زنهار رعایت حجاب هم نمی کنند. و.....

جلساتی که مختلط است یا شراب در آنها هست و بعد مثال زد به جلسات بنی مروان و بنی عباس و البته یک بحث فنی این جا صورت گرفته و آن این که آیا این مقارنات واسطه د رثبوت است یا واسطه در عروض است؟

این نکته مبهم کلام سبزواری هست ولی یک راهی را باز میکند که گذشته ها این راه را نرفته بودند .

شما این را مقایسه کنید با کلام کسی که میگوید هر نوع صدایی که مرجع فیه باشد یا مطرب باشد یک خفت و سبکی به مخاطب القا کند یا یک حالت خاصی به انسان دست بدهد ، انسان خوشش می آید و دوست دارد اینها را گوش کند صداهایی که بعضاً در بازار هست و ...

ما داشتیم فقیه‌ای که حتی طبل روز عاشورا را حرام میدانست ولی داشتیم خدمت برخی بزرگان که منزلشان میرفتیم هیئت هایی که ایام محرم می آمدند می بایست هر چه از طبل و شیپور و اینها بود را کنار بگذارند چرا که ایشان معتقد به حرمت اینها بود.

به نظر من شخصیت دومی که به سختی در فقه شناخته شده است شیخ انصاری آمد حرمت را در غنا از غنا برداشت و گفت غنا لیس بحرام و آن چه حرام است لهو و لغو و اضلال و اینها است و لذا صریحاً گفت اگر غنا بهترین صدا باشد و زیباترین صدا باشد ولی مناسب مجالس لهو نباشد ، اشکال ندارد.

البته بحثش در آواز خوانی است ولی چون آلات لهو را هم به ملاک لهو حرام میدانند راه را برای آلات لهو هم نمی بندد مثلاً شما در جنگ از مارش نظامی استفاده کنید یا در عزاداری ها از وسائلی که هست استفاده کنید، اگر مصداق لهو و بیهودگی نباشد، ایشان حرام نمیدانند من نمی گویم ایشان راه را باز کرد اما افق گشاییهایی هم کرد.

من عمداً از شیخ انصاری صحبت کردم که کسی مدعی نشود فلانی این حرفها را زده است و... و اسلاما و و اسلاما!!!

رویکردهای نو اما منضبط خود شیخ انصاری یعنی انضباط فقهی ما نباید به شیخ انصاری انضباط فقهی یاد بدهیم ما نباید به سبزواری صاحب کفایه انضباط فقهی یاد بدهیم.

یک چیزی به ذهن ما می رسد و من این را به عنوان آغاز راه می گویم و گرنه باید روی این مساله کار شود .

به هر حال باید روی این موضوعات کار کرد تا یک افق گشایی هایی شود و حکم خدا معلوم شود. در بحث غنا وقتی فقها وارد بحث غنا می شوند، می گویند الغنا حرام بالاجماع فی الجمله غنا حرام است به اجماع همه علما شیعه و سنی اما فی الجمله فی الجمله را می گویند اگر بعداً خواستند جاهایی را استثنا کنند بتوانند این که غنا چیست به لغت مراجعه می کنند مرحوم نراقی یازده قول از لغت برای تفسیر غنا می آورد و البته آخر کار هم خودش یک معنای مضیقی را قبول می کند اینهم معنای غنا

دلیل حرمت چیست غیر از اجماع؟

میگویند روایات ...

دلیل حرمت چیست؟ میگویند روایات

کدام روایت؟

این جا باب 99 ابواب ما یکتسب به روایتش را شیخ حر عاملی آورده است مثلاً سند روایت هم عالی است سند محکم است از امام باقر نقل می کند که می گوید شنیدم که غنا وعده آتش بر آن داده شده است یعنی نه فقط حرام است سوپر حرام است حرامی است که گناه کبیره است وعده آتش داده شده است بعد محمد بن مسلم می گوید امام باقر علیه السلام این آیه از قرآن را خواندند :

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ¹

و برخی از مردم اند که افسانه های بیهوده و سخنان یاوه و سرگرم کننده را می خرند تا از روی نادانی و بی دانشی [مردم را] از راه خدا گمراه کنند و آن را به مسخره بگیرند؛ اینانند که برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود.

تا این جای کار گفته شد که غنا حرام است و غنا چیست ؟ می رویم سراغ لغت روایت دارد که صوت حسن صوتی که دارای ترجیع و رفت و برگشت صدا داشته باشد و یک حفت و سبکی به انسان بدهد و صوتی که مناسب مجالس لهو و لعب باشد و بعد هم می گویند دلیلش این آیه است

و بعد ما از بزرگان سوال می کنیم میگوئیم در غنا محتوا هم مهم است یا نه؟ نص یا شعری که خوانده می شود ؟ میگویند نه و لو قرآن یا شعر حافظ باشد . یا شعر مولوی و سعدی باشد

می گوئیم قصد خواننده مهم است ؟ می گویند نه

مثلاً کسی مریض است و گفته می شود که اگر برای او آواز خوانی انجام شود یا موسیقی برای او گذاشته شود درمان می شود می گویند قصد مهم نیست می گوئیم نتیجه چه طور ؟ می گویند نه مثلاً نتیجه تخدیر امته باشد چون این ها در معنای غنا نیامده است در معنای غنا همین گفته شده صوت مطرب مرجع فیه و لذا شما اگر مقلد شیخ انصاری باشید مقلد آیت الله خویی و مقلد امام خمینی باشید میگویند این موارد مهم نیست. میگویند نه محتوا مهم است نه قصد و نه نتیجه مهم است .

اما نکته ای که ما داریم و اسم آن را نوآوری می گذاریم این است که درست است که امام فرمودند غنا گناه کبیره است و از آن گناهانی است که وعده آتش داده شده است بعد بلافاصله این آیه را می خوانند آیه صرف صدور را نمی گوید میگوید برخی از مردم انتخاب می کنند لهو الحدیث یعنی محتوای باطل حدیث که گفته شود می آید از جنس محتوا بنابراین شعر سعدی و حافظ و شعر مولوی که لهو الحدیث نیست و بعد لیضل عن سبیل الله میگوید کسی که موسیقی را انتخاب می کند برای این است که از راه خدا گمراه کند ، و یتخذها هزوا آیات خدا را به مسخره می گیرد سوالی که من دارم این است که این آیه محدود می کند غنا را . البته من فقط نمیخواهم بگویم فقط همین روایت را داریم آیا انتخاب این روایت برای بیان حرمت غنا توسط امام یک انتخاب اتفاقی بوده است؟

سوال این است که انتخاب این آیه از سوی معصوم آیا مبنایی نداشته است؟

یا امام عنایت دارند که این آیه را میخوانند ؟

¹ . سوره مبارکه لقمان، آیه 6.

ما کسی را داریم به نام نضر بن حارث این وقتی پیامبر در مکه مبعوث شدند این شخص به ایران می آمد و قصه های رستم و اسفندیار را می گرفت فکر نکنید قصه رستم و اسفندیار را فردوسی خلق کرده است ،در واقع فردوسی پردازش کرده است .

و الا قصه های زال و اسفندیار و سهراب از قبل مطرح بوده است و او وقتی از ایران می آمده وقتی می دیده عده ای دور پیامبر را گرفته بودند می گفت محمد برای شما قصه موسی و عیسی و یوسف را میخواند بیایید من قصه رستم و اسفندیار و مازیار و ... را برای شما بیان کنم .

لیضل عن سبیل الله به این قصد بود که کسی دور و بر پیامبر نرود اگر ما شان نزول را مقید بگیریم مفسر که میتوانیم بگیریم اگر این طور در نظر بگیریم یک راهی باز می شود به عنوان یک پیشنهاد که اسم این را ما گذاشته ایم رابطه دو سویه هم روایات آیات را معنا کند اگر ما بودیم به غنا معنا نمی کردیم اصلا نمی فهمیدیم به غنا تفسیر کنیم اما که آمد این آیه را به غنا تفسیر کرد؟ امام علیه السلام ؛ پس روایت آمد و آیه را تفسیر کرد و من می خواهم عرض کنم آیه هم این روایت را می تواند تفسیر کند و لذا این آیه شامل غنا با محتوای فاخر با توجه به این روایت نمی شود.

اگر دلیلی بر حرمت داریم روی سر می گذاریم و الا نه .

عمده دلیل همین است و اگر این طور باشد راه باز می شود انشاءالله دیگران و بزرگان و اساتید دانشگاه و اساتید حوزه که توان اجتهادی دارند این بحث را دنبال کنند یا به نتیجه ما میرسند یا نمی رسند. واشکالی هم ندارد.

من نگاه میکنم بحثهای زیادی مانده است.الحمد لله رب العالمین .